

عنوان مقاله:

تحلیل کارکردها و کاربردهای موقعیت داستانی: «مطالعه موردی: رمان شازده احتجاب»

محل انتشار:

فصلنامه جستارهای نوین ادبی، دوره 56، شماره 4 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسنده:

مهرداد اکبری گندمانی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران

خلاصه مقاله:

این پژوهش به کارکردها و کاربردهای موقعیت داستانی می پردازد و نشان می دهد موقعیت، فراتر از جنبه پس زمینه ای خود می تواند نقشی فعال، به عنوان عنصری تاثیرگذار، در داستان داشته باشد. موقعیت داستانی، هم در شکل گیری لایه های معنایی داستان مشارکت می کند و هم در ساخت یابی ساختار آن دخیل است. درک حال و هوای داستان نیز ممکن است به طور مستقیم وابسته به موقعیت داستانی باشد. گاهی موقعیت، با تحت تاثیر قرار دادن شخصیت ها، بر فرآیند رشد یا سرکوب آن ها نقش دارد. همچنین، در مواردی، با ایجاد تنش و کشمکش برای شخصیت ها بر طرح داستان تاثیر می گذارد. موقعیت داستانی، در بسیاری از داستان ها، جنبه ای نمادین یا استعاره ای پیدا می کند و می تواند بر ایده ها و مضمون های کلی تر داستان دلالت داشته باشد. در رمان شازده احتجاب نیز موقعیت داستانی نقشی مهم و اساسی دارد؛ تا آنجا که به اندازه شخصیت ها و گاهی بیش از آن ها در شکل گیری روایت های درون رمان دخالت دارد. سرنوشت شخصیت های داستان شازده احتجاب، چه در گذشته و چه در اکنون داستان، به شدت به موقعیت گره خورده است؛ به نحوی که رها شدن از یک موقعیت به معنای تغییری بزرگ در زندگی شخصیت ها تلقی می گردد. پرسش اساسی این پژوهش آن است که موقعیت داستانی چه کارکردها و کاربردهایی در داستان می تواند داشته باشد؟ سپس، به عنوان مطالعه ای موردی، در پی آن است که نقش موقعیت را در داستان شازده احتجاب بررسی کند و درنهایت نشان می دهد در این رمان، موقعیت داستانی عنصری است که اهمیت ساختاری و معنایی دارد.

کلمات کلیدی:

موقعیت داستانی، ساختار روایت، شازده احتجاب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1965863>

